گفت‌وگو
مصطفی شاه‌کرمی

رضا دهشیری | جوان

# جلال، روحانیت را آخرین سنگر مقاومت در برابر غرب می‌دانست

## میزگرد بررسی شخصیت، احوالات و سیر زندگی جلال آل‌احمد با حضور محمدحسین دانایی خواهرزاده جلال و ناصر شکوری پژوهشگر در «جوان» برگزار شد

**برای تاباندن نور به برخی زوایای تاریک یا مغفول زندگی و شخصیت جلال میزگردی با حضور محمدحسین دانایی (خواهرزاده جلال) و ناصر شکوری پژوهشگر ادبیات و شاعر در روزنامه «جوان» برگزار شد که مشروح آن را پیش رو دارید.**

■■■

**برای ورود به بحث اصلی مایلم حدود و ثغور فضایی که جلال در آن رشد کرده را برای مخاطبان تشریح کنید.**

**دانایی:** جلال آدم بسیار مهربان، خیرخواه، صمیمی، روشنفکر، آزادی‌خواه و صادقی بود. می‌توانم شهادت بدهم که در تمام مدت عمرم آدمی به این شایستگی که قابلیت انسانی داشته باشد، ندیدم. بسیار انسان‌دوست بود که هیچ چیز را فدای آزادی‌خواهی نمی‌کرد. حتی در امور داخلی خانوادگی مداخله می‌کرد تا آزادی بچه‌ها سلب نشود. علاوه بر همه وجوه شخصیتی، مرحوم جلال یک جور منیت شخصی هم داشت که خیلی پررنگ و قوی بود. آنچنان که اکثر واکنش‌هایی که نسبت به جنبه‌های جلال آشکار می‌شد تحت تأثیر هویت واقعی جلال بود. یعنی شخصیتش آن‌قدر قوی بود که همه اطرافیان را به نحوی تحت تأثیر (مثبت یا منفی) قرار می‌داد. بنابراین نظریه‌پردازانی که مثلاً با اندیشه‌های سیاسی آل‌احمد مخالف هستند، بخشی از مخالفت‌هایشان مربوط به خود جلال است و نه اندیشه‌های او. زمینه فرهنگی که جلال در آن رشد کرد بیشتر تا دهه ۲۰ تحت تأثیر دو نوع قرائت از دین بود. نخستین قرائت غیرسیاسی و دومین قرائت سیاسی بود. مجموعاً فضای سنتی حوزه برای آدم‌های تحصیلکرده دلگرم‌کننده نبود، احزاب و نیروی سیاسی خارج از چارچوب دین جاذبه‌های بیشتری داشتند. عضویت در حزب برای جوانان تحصیلکرده افتخار بود، جلال در پی تنش با خانواده به عضویت حزب توده درآمد و به سرعت در حزب رشد کرد برای اینکه جلال ذاتاً آدم سیاسی پرشوری بود. عواملی که ذکر کردم باعث شد او با این سابقه خانوادگی عضو حزب کمونیستی- ماتریالیستی توده شود و با سه‌سال و نیم عضویت در حزب به مراتب بالا ارتقا پیدا کرد. چون فعال مطبوعاتی بود در بخش فرهنگی و مطبوعاتی حزب فعالیت کرد و سردبیر یک نشریه جدی و تئوریک از نشریات حزب توده به نام «نامه مردم» شد. نخستین سردبیر نشریه حزب توده «نامه مردم» احسان نراقی بود.

**یعنی می‌توانیم بگوییم که با شخص خودش مخالف بودند نه لزوماً با اندیشه‌هایش؟**

**دانایی:** بله، می‌شود چنین تعبیری کرد.

**این از صراحت لهجه او ناشی می‌شد؟**

**دانایی:** درست است یا به تعبیر صحیح‌تر، وجود خودش روی افکار و آثار و کتاب‌هایش تأثیر می‌گذاشته است. به نظر من در مورد چنین شخصی لازم است که ابعاد وجودی‌اش هم مورد توجه قرار بگیرد چراکه این مسئله یک متغیر تعیین‌کننده بر سایر ابعاد وجودی او بوده است. در سایر ابعاد اظهار نظرهای زیادی شده و افراد صاحبنظر مطالبی را اظهار کرده‌اند اما من به دلیل آشنایی و قرابتی که با وی داشتم می‌خواهم راجع به بخشی از مسائل مربوط به آل‌احمد صحبت بکنم که ممکن است دیگران در مورد آن اطلاعاتی را ارائه نداده باشند.

**منظورتان از نظر شخصیتی است؟**

**دانایی:** بله. وقتی روی این محور حرکت می‌کنیم و به جلو می‌رویم نقشش در مسائل فرهنگی چه به عنوان یک معلم، داستان‌نویس یا یک مترجم و... هم مشخص می‌شود. وقتی کنه وجودی مخالفان و موافقانش را مورد واکاوی قرار می‌دهیم ملاحظه می‌کنیم در منتهاالیه دهلیزهای فکری آنها یک نوع رابطه عاطفی مثبت و منفی به شدت قابل رؤیت است. در واقع کسانی که موافق با او هستند دوستش دارند و افرادی هم که مخالفش هستند از جلال بدشان می‌آید.

**یعنی جاذبه و دافعه خیلی شدیدی در شخصیت او وجود دارد؟**

**دانایی:** وقتی شما به سراغ کسی مثل آدمیت یا اسماعیل خویی می‌روید، می‌بینید که اینها در جایی ضربه‌ای از آل‌احمد خورده‌اند و همین مسئله باعث شده که این افراد بروند و در موضع مخالفان ایدئولوژیک یا منتقد ادبی جلال قرار بگیرند (با خنده).

**شکوری:** ببخشید! ولی من با برخی از اظهارات شما موافق نیستم.

**اصلاً اشکالی ندارد چون این یک مباحثه است، بفرمایید.**

**شکوری:** در مورد جلال اظهارات متنوع و بسیار زیادی به دلیل چندوجهی بودن شخصیت او انجام شده است چه اینکه جلال در اغلب حوزه‌ها دارای اظهارنظر و عقیده بوده و حرف زده است. به همین علت من برای خودم چهار تا تایتل (عنوان) انتخاب کرده‌ام، اول: حیات فرهنگی و سیاسی جلال، دوم: جلال و ادبیات و هنر معاصر ایران، سوم: غربزدگی و خودباختگی و چهارم: بازگشت به خودِ شرقی و اسلام که بنده بر اساس این چهار محور مطالبی را جمع‌آوری کرده‌ام که مجموعه‌ای از آرای مخالف و موافق جلال است.

**اگر موافق باشید به وجوه فرهنگی و هنری او بپردازیم.**

**شکوری:** به قول خود جلال، غربزدگی یک واژه است که از بُعد فرهنگ تا سیاست، اقتصاد، اجتماع و هر بخشی که مورد نظر شما باشد را دربرمی‌گیرد. اشتباه نشود، غربزدگی یک واژه سیاسی نیست بلکه غربزدگی ابتدا یک واژه فرهنگی بود که بعدها در سیاست، اجتماع و سبک زندگی ما هم اثر گذاشت؛ یعنی یک جریان و هجوم فرهنگی بود. خودِ جلال هم در مورد این سه کلمه «زدگی» توضیحاتی را داده است، مثلاً این جمله را ملاحظه کنید: من با هر «غربی» حاضرم همکاری فرهنگی، هنری و ادبی داشته باشم اما با هیچ «غربزده‌ای» حاضر به انجام چنین کاری نیستم. چرا؟ چون «غربی» اصل است و «غربزده» نسخه بدلی و کپی کاریکاتورگونه آن است.

**این سخن جلال است؟**

**شکوری:** خیر؛ این جمله من است. غربزده فقط یک رنگ و لعاب ظاهری دارد اما بدون عمق. گستره اطلاعاتش به اندازه اقیانوس است اما به عمق یک بند انگشت! البته خودِ جلال می‌گوید که این مسئله را از فردید گرفته اما به نظر بنده آنچه جلال مطرح می‌کند بر اساس استعداد ذاتی و فطری اوست که خیلی دقیق‌تر و درست‌تر از بحث فلسفی و... دیگران است. جلال می‌گوید ما غربزده شده‌ایم، یعنی بی‌هویت شده‌ایم و آن هویت اسلامی و شرقی‌مان را از دست داده و به غربزده تبدیل شده‌ایم. وقتی چنین شد ما از منظر یک غربی به فرهنگ، جامعه، زندگی و... نگاه می‌کنیم که این همان معنای واقعی غربزدگی است. اینجا مایلم یک چند سطری که در مورد جلال نوشته‌ام را برای‌تان بخوانم: «از جلال گفتن سهل و ممتنع است، سخن گفتن از کسی است که نادانان او را «جلال آل‌احمق» می‌نامیدند و دانایان او را «جلال آل‌قلم» می‌نامند و او خود را «خَسی در میقات» خوانده است و...»

**دانایی:** من فکر می‌کنم جناب شکوری به نکته بسیار مهمی اشاره کردند. مفهوم فرهنگ آن‌قدر وسیع است که سایر مفاهیم را می‌توان به عنوان زیرمجموعه آن تلقی کرد. به عنوان مثال نمی‌توان ورزش، سیاست، اعتقادات و... را خارج از گستره فرهنگ محاسبه کرد. در واقع فرهنگ یک معنای عام دارد که طرز لباس پوشیدن و غذا خوردن و مسائل اجتماعی و رفتاری و... را دربر می‌گیرد و شخصی مثل جلال ذووجهین هم باید یک شخصیت فرهنگی تلقی گردد. درست است که او کار سیاسی کرده، بحث‌های اقتصادی و اجتماعی هم داشته و حتی قصه و ترجمه هم انجام داده اما همه این مسائل ذیل شخصیت فرهنگی او قرار می‌گیرند. نکته‌ای که من می‌خواهم اشاره کنم این است که [آثار جلال را] تفکیک نکنیم چه اینکه می‌شود «غربزدگی» را یک مقاله سیاسی و یا اجتماعی تلقی کرد؛ هیچ اشکالی هم ندارد. اصلاً خود غربزدگی یک مسئله فرهنگی است و ذیل آن قابل تعریف است.

حالا اگر اجازه بدهید می‌خواهم برگردم به ادامه بحث‌مان. مهم‌ترین ویژگی که در طول ۲۷، ۲۸ سال زندگی و معاشرتم با جلال کشف کردم، اینکه به قول امروزی‌ها یک آدم غیرتی بود. یعنی نسبت به همه مسائل احساس مسئولیت می‌کرد و معتقد بود در کلیه امور باید مداخله کند. جلال مثل آیینه بزرگی بود که هر پدیده‌ای در وجودش منعکس و تصویرش پیدا می‌شد و این تصویر او را به واکنش وامی‌داشت. بعید بود، غیرممکن و محال بود که مثلاً شما از خانه‌تان با جلال به بازار تجریش می‌رفتید، جلال به ۱۰ تا ۱۵ موضوع توجه نکند و با آنها درگیر نشود. حالا یا نفیاً یا اثباتاً، یا خصمانه یا دوستانه. وقتی به خانه برمی‌گشت، انبانی از اطلاعات و احساسات بود و این جزو اولین ویژگی‌های جلال بود. وقتی می‌دید یک حکومت با مردمش رفتار ظالمانه‌ای دارد یا مردم در یک جهل منتهی به خرافات گرفتار شده‌اند. شجاعت دومین صفت بارز جلال بود به طوری که من در طول ۲۸ سال هرگز ندیدم از چیزی بترسد. با هر چیزی به صورت صریح و بدون لاپوشانی برخورد می‌کرد. در عین حال فرد بسیار آزادی‌خواه و آزاده‌ای بود و از جذاب‌ترین و شیرین‌ترین اندیشه‌ها و ایده‌هایی که می‌توانست او را فریفته خودش بکند، آزاد بود. به سرعت خودش را از قید تعلقات رها می‌کرد، من فکر می‌کنم حتی اگر او را در زندان باستیل هم زندانی می‌کردند می‌توانست به هر قیمتی خودش را از این زندان فیزیکی نجات بدهد. جلال در قالب هیچ مرام و مسلکی گرفتار نمی‌ماند و نگاهش صرفاً نگاه اعتقادی بود. به قول خانم دانشور، جلال اینگونه بود: هنوز از یک درگیری خلاص نشده بود به سمت یک درگیری و چالش دیگر می‌رفت. به عنوان مثال گرایشات مختلفی که جلال از لحاظ سیاسی، فکری، عقیدتی، اجتماعی و... پیدا می‌کرد همان‌گونه که در خاطراتش از آن سفر حج عنوان می‌کند اکثراً منتج به این می‌شد که او در انتهای آنها یک پوچی بزرگ می‌دید. به نظر من یکی دیگر از جنبه‌های شخصیتی جلال که شاید بیشتر شکل احساسی داشته باشد خیرخواه و خوش‌خلق بودنش، برخلاف آنچه که در موردش منتشر شده و او را فردی تندخو، عصبی و خشن می‌دانند، است. من هرگز تندخویی و خشونت از جلال ندیدم و حتی اگر عصبانیتی هم بروز داده به خاطر حسن نیت و خیرخواهی‌اش نسبت به دیگران بوده است. لابد در خاطرات دوران معلم بودنش در مدرسه دیده‌اید که جلال بچه‌ها را کتک می‌زده، البته این اقدام وی نه از سر آزار رساندن به دانش‌آموزان بلکه به جهت خیرخواهی در مورد آینده آنها بوده است. همه این خصایص و مراتبی که گفته شد برخی از برجستگی‌ها و نقاط عطف شخصیت جلال بود.

**شکوری:** حکیم سنایی غزنوی در دوره سلجوقی می‌گوید: «صحرای مغرب چهارسو بگرفت، زاغ تنگ‌خو/ سیمرغ مشرق را بگو تا بال بگشاید» حکیم سنایی در دورانی که روزگار جنگ‌های صلیبی بوده، اخطار را خطاب به شرق می‌دهد. اقبال لاهوری می‌گوید: «دانش افرنگیان غارتگری /دیرها خیبر شد از بی‌حیدری» و این اخطار دوم است؛ بعد از آنها این جلال است که با «غربزدگی» اخطار سوم را می‌دهد چرا که غربزدگی ریشه همه مشکلات ماست. البته غرب به مفهوم کلی آن مطرح است، همان‌طور که خودِ جلال هم در مورد مباحث اقتصادی و ممالک صنعتی رشد کرده صحبت می‌کند. ما هویتی اسلامی داریم که جلال هم در آثارش آن را تأیید می‌کند و به نظر من هر چیز دیگری غیر این هویت، غربزدگی است و من حاضرم با هر کسی در این رابطه به بحث بنشینم.

**شما تفکیکی بین اسلام و ایران قائل هستید یا نه؟**

**شکوری:** خیر، هیچ تفکیکی قائل نیستم. البته اجازه می‌خواهم بحث را با پیگیری خصایص و شخصیت جلال ادامه بدهم. این مطلب پس از فوت جلال نوشته شده است: «در کشوری که هیچ کاری برای هیچ‌کس جدی نیست مگر آنکه سود مادی در آن باشد او کارش را که همان زیان مادی برای خود او دربر داشت بسیار جدی می‌گرفت. صراحت او را در کمتر کسی می‌توان سراغ کرد، جلال عاشق بود، عاشق هر صدایی که از هر جایی بلند شود؛ به شرطی که بر ضد اراذل باشد.»

**آیا جلال هم بین اسلام و ایران تفکیکی قائل نبود؟**

**شکوری:** البته من عقیده خود را گفتم نه جلال را. اما وی استناد می‌کند که یکی از تکیه‌گاه‌هایمان اسلام است و یکی دیگر زبان فارسی. جلال بارها گفته است که شخصیت من را مجموعه فرهنگی این کشور می‌سازد که یکی از آنها مذهب و یکی دیگر ادبیات است که هر کدام از آنها یک مستمسک هستند. در واقع منظور جلال از مستمسک خواندن این گزاره‌ها این است که بگوید هر کدام از اینها چنگ‌آویزی هستند برای نجات فرهنگی ما در مقابل غربزدگی.

**با توجه به حشر و نشر شما با مرحوم جلال، به نظرتان نسبت جلال با اسلام به چه شکلی بوده است؟ اصلاً به نظرتان درست است که در بحث‌مان به چنین فضایی ورود کنیم؟**

**شکوری:** جلال به عنوان ایدئولوژی و شریعت به اسلام نگاه نمی‌کند، او معتقد است اسلام پناهگاه ما در مقابل هجوم غرب است. البته حرف‌های بنده ناظر بر استنباطی است که از آثار جلال دارم.

**دانایی:** همان‌طور که گفتم جلال نسبت به مسائل بی‌تفاوت و بی‌غیرت نبود و با آنها درگیر می‌شد. اولین درگیری جدی که در صحنه اجتماعی از آل‌احمد ظاهر می‌شود دقیقاً درگیری‌اش با مسائل مذهبی است. هنوز دیپلم نگرفته که با بچه‌های محله‌شان تشکلی، به اسم انجمن اصلاح را تشکیل می‌دهند که هدفشان هم اصلاح دین به معنای مقابله با خرافات و انحرافات دینی و مذهبی جامعه بوده است. اصلاً قصد ندارم بگویم این رویکردها از سوی جلال در دوره جوانی مورد تأیید است. در این مسیر هم دو اثر مکتوب از وی وجود دارد، یکی از آنها جزوه‌ای به اسم «عزاداری‌های نامشروع» است که توسط یکی از علمای شیعه اهل جبل عامل لبنان به اسم سیدمحسن امین عاملی و به زبان عربی نوشته شده و مرحوم آل‌احمد آن را به فارسی ترجمه می‌کند که هزار نسخه از آن را همان بچه‌های انجمن اصلاح با هزینه شخصی و با قیمت روی جلد ۲ ریال چاپ و برای فروش در اختیار چند کتابفروشی قرار می‌دهند. این بچه‌ها یکی دو روز بعد که سراغ کتابفروشی‌ها می‌روند می‌بینند که تمام آن هزار نسخه به فروش رفته و با خوشحالی می‌گویند عجب کاری کردیم؛ حالا می‌توانیم از محل فروش این کتاب بقیه کارهایمان را هم انجام بدهیم. وقتی موضوع را بررسی می‌کنند متوجه می‌شوند که چند بازاری به بهانه مخالف بودن با اعتقادات مذهبی کف جامعه همه آن هزار نسخه را خریده و آتش زده‌اند! این اولین کار مکتوبی بود که جلال در مقابله با کیفیت عزاداری آن زمان مردم تهران از خودش به یادگار گذاشت. به فاصله یکی دو سال بعد از ترجمه کتاب «عزاداری‌های نامشروع»، دومین کار جلال ترجمه کتابی از یک فرانسوی به اسم «پل کازانِبا» با عنوان «محمد(ص) و آخرالزمان» است که در آن به نقد ایدئولوژیک اسلام می‌پردازد. این اثر خیلی زودتر از اثر قبلی «سَرِ زا می‌رود» و موقعی که هنوز در حال حروفچینی بوده افکار الحادی و تند نویسنده‌اش در مورد اسلام برای کارگران چاپخانه مکشوف می‌شود و لو می‌رود. بعد از آن عده‌ای می‌آیند و تمام صفحات حروفچینی شده کتاب را از بین می‌برند. جلال می‌گوید اگر هنگام فرار از دست آن افراد آقای ساعتچی (یکی از دوستانش در حزب توده) متوجه موقعیتم نمی‌شد و در خانه‌اش را باز نمی‌کرد تا در منزلش پنهان شوم، حتماً آن افراد مرا تکه تکه می‌کردند. بعد از این ماجراست که جلال با ضخامت باورهای دینی مردم مواجه و متوجه می‌شود که این مسائل بیدی نیست که با این بادها بلرزد. بعدها که هجوم روشنفکران غربزده را می‌بیند احساس می‌کند که اتفاقاً از دین به عنوان یک هویت انسجام‌دهنده باید دفاع کند. بعد از این اتفاق وارد بعد سیاسی و اجتماعی مسائل می‌شود که همزمان با رفتن جلال به داخل تشکیلات حزب توده است. البته این را هم بگوییم که جلال اهل رجعت نبود، جلال عابد و سالک بود. این وصله اصلاً به جلال نمی‌چسبد که برمی‌گردد. جلال هرگز اهل برگشت نبود یا موضوعی را حل می‌کرد و یا از آن عبور می‌کرد.

**لطفاً پس از اتمام بحث مواجهه جلال با دین در دوران جوانی، نسبت به کیفیت تجددخواهی جلال و تفاوت‌هایش با دیگران هم اشاراتی داشته باشید.**

**دانایی:** روشنفکرانی مانند جلال به سمت تجدد رفتند و در دوره‌ای متوجه شدند حرکت به سمت مدرنیسم به این سرعت و بی‌اندیشه موجب بی‌هویتی می‌شود. جلال و برخی روشنفکران پی به این نکته بردند. این روشنفکران احساس کردند رابطه روشنفکران و جامعه با پایه‌های سنت در حال قطع شدن است. امثال جلال آل‌احمد که مانند اقبال لاهوری ندای بازگشت به خویشتن سر می‌دادند شعارشان این بود که تجدد نه به قیمت از دست دادن سنت‌هاست. مگر ژاپنی‌ها متجدد نیستند؟! در حالی که جزو سنتی‌ترین جوامع هستند. جلال و افرادی مانند او می‌خواستند پایه‌های سنت را احیا کنند. در زمان جلال یکی از پایه‌های روشنفکری ضدیت با دین بود؛ یعنی شما اگر صورت‌تان را با تیغ نمی‌زدید و نماز نمی‌خواندید، مشروب می‌خوردید روشنفکر محسوب می‌شدید. افرادی مانند جلال این دریافت را باطل کردند. تابوی تصنعی که برای روشنفکری جعل شده بود را از بین بردند و به این درک رسیدند که سنت‌ها از جمله دین، نه تنها مانع مدرنیته نیستند بلکه با اعتقادات دینی هم می‌شود مدرن بود حتی می‌توانید فلسفه مدرن هم بخوانید. بنابراین اگر می‌بینید که جلال برگشت، برگشت جلال فقط مذهب نبود جلال بر این اعتقاد بود که ۱۵ سال فریفته غرب شدم و بسیاری از مسائل باارزش را از دست دادم. یکی از ارزش‌ها، اعتقادات دینی بود. فرهنگ، زبان، فردوسی هم بود. بعد از انقلاب جوانان انقلابی شیفته جلال شدند و از سر شیفتگی به سمت جلال رفتند. دلشان می‌خواست جلال را از آن خود کنند و موفق هم شدند.

جلال ذاتاً آدم جست‌وجوگر و ساختارشکنی بود. هر نوع باوری را قابل نقد می‌دانست و هیچ خط قرمزی را نمی‌پسندید. هیچ چیزی برایش حتمیت نداشت. مطمئن بود که می‌شود شک کرد و به‌هم ریخت. متخصص به‌هم زدن بازی بود حتی به خودش اجازه نمی‌داد که در قالب قرار بگیرد. بنابراین آزادی‌خواهی او ایجاب می‌کرد که جست‌وجوگر باشد و قرارپذیر نبود که مهم‌ترین ویژگی شخصیتی جلال است. اندیشه‌اش را معتبرتر از هر قالبی می‌دانست. همین ویژگی ساختارشکنی او بود که برخی به‌راحتی به او لقب آنارشیست و هرج و مرج‌طلب می‌دادند اما واقعیت این است که جلال آرام آرام به سمتی حرکت کرد که منجر به حمایتش از روحانیت شد. او می‌گوید: «روحانیت آخرین سنگر مقاومت در برابر غرب است» و معتقد بود که باید در کنار روحانیت و حمایت از آنها به مقابله با غرب پرداخت.

> **جلال بارها گفته است که شخصیت من را مجموعه فرهنگی می‌سازد که یکی از آنها مذهب و دیگری ادبیات است که هر کدام یک مستمسک هستند. منظور جلال این است که بگوید هر کدام از اینها چنگ‌آویزی هستند برای نجات فرهنگی ما در مقابل غربزدگی**

> **جلال در قالب هیچ مرام و مسلکی گرفتار نمی‌ماند و نگاهش صرفاً نگاه اعتقادی بود. به قول خانم دانشور، جلال این‌جوری بود که هنوز از یک درگیری خلاص نشده بود به سمت یک درگیری و چالش دیگر می‌رفت**

> **از جلال گفتن سهل و ممتنع است، سخن گفتن از کسی است که نادانان او را «جلال آل‌احمق» می‌نامیدند و دانایان او را «جلال آل‌قلم» می‌نامند و او خود را «خَسی در میقات» خوانده است**


### آگهی ابلاغ اجرائیه

پیرو آگهی‌های منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه آقای مهدی غلامزاده که مجهول‌المکان می‌باشد ابلاغ می‌گردد چون وفق دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۱۶۳۰۰۳۲۵ صادره از شعبه ۲۶۴ در پرونده شماره ۹۶۰۲۴۵ طرفین با هم توافق و سازش کردند (که خواهان کل طلبش را از خوانده بابت اصل خواسته و هزینه دادرسی مبلغ بیست میلیون و پانصد هزار تومان اعلام داشته که خوانده ضمن قبول بدهی متعهد گردید مبلغ بیست میلیون و پانصد هزار تومان اعلام داشته که خوانده ضمن قبول بدهی متعهد گردید مبلغ بیست میلیون و پانصد هزار تومان را در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۵ به خواهان پرداخت نماید در غیر اینصورت از طریق دایره اجرا قابل وصول می‌باشد) در حق محکوم له و نیم عشر دولتی شده اید ظرف ده روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیر اینصورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول مطالبات با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود.

م الف: ۲۳۵۹۴/ **منشی شعبه ۲۶۴ شورای حل اختلاف مجتمع ۵ مشهد**

### آگهی ابلاغ دادنامه

در خصوص دعوی خانم مریم براتیان دهقان به وکالت از بانک مهر اقتصاد به طرفیت خواندگان آمنه علوی وحید ساغرچی، قاسم ساغرچی به خواسته مطالبه مبلغ ۲۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت وجه یک فقره چک به شماره و تاریخ ۹۵۳۶۰۶ – ۸۹/۰۳/۱۸ با احتساب خسارات دادرسی و خسارات تاخیر تادیه دادگاه با عنایت به مفاد دادخواست تقدیمی، ضمائم پیوست به آن و ملاحظه اصول مستندات به این که خوانده با وصف ابلاغ اخطاریه در جلسه رسیدگی حاضر نشده، لایحه‌ای هم ارسال ننموده و ایراد و دفاع و تکذیبی نسبت به ادعای خواهان و مستندات ابرازی به عمل نیاورده اند، لذا با مصون ماندن مستند دعوی از هر گونه خدشه ای که دلالت بر اشتغال ذمه امضاء کنندگان آن دارد با استصحاب بقای دین دعوی خواهان را محمول به صحت تشخیص داده و به استناد مواد ۱۹۸،۵۱۵،۵۱۹ و ۵۲۲ و ۳۰۳ انون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی ۲۴۹،۳۰۷،۳۰۹،۴۰۳،۳۱۰،۳۱۳،۳۱۴ و ۴۰۳ قانون تجارت حکم به محکومیت تضامنی خواندگان به پرداخت مبلغ مذکور بابت اصل خواسته و مبلغ ۱۵۰/۰۰۰/ ریال بابت کلیه خسارات دادرسی که به سبب طرح دعوا به خواهان وارد گردیده و نیز خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید تا زمان وصول بر اساس نرخ تورم که توسط بانک مرکزی اعلام می شود و در اجرای احکام محاسبه خواهد شد در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید. رای صادر شده غیابی و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل وخواهی در این دادگاه است و سپس ظرف بیست روز دیگر قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان خراسان رضوی می‌باشد.

م الف: ۲۲۶۵۴/ **منشی شعبه ۱۳ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی امام خمینی مشهد**

### آگهی ابلاغ اجرائیه

پیرو آگهی‌های قبلی بدینوسیله به علیرضا فتحی خلیل الهی که فعلا مجهول المکان می‌باشد ابلاغ می‌شود طبق اجرائیه در پرونده کلاسه ۹۶۱۰۴۸ به موجب دادنامه ۹۷۰۹۹۷۷۵۱۳۲۰۰۱۱۹ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۸ صادره از شعبه ۳۰۲ محکوم علیه محکوم است به موجب درخواست اجرای حکم مربوطه به شماره ۱۳۹۷۰۲۵۰۰۱۲۲۴۳۲۱ و شماره دادنامه مربوطه ۹۷۰۹۹۷۷۵۱۳۲۰۰۱۱۹ محکوم علیه محکوم است به پرداخت مبلغ ۲۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت صدور چک فوق الذکر به اضافه خسارت تاخیر تادیه از تاریخ (صدور عدم تادیه) چک ۱۳۹۵/۰۳/۰۱ تا یوم الاداء و هزینه دادرسی به مبلغ ۸۰۰/۰۰۰ ریال در حق محکوم له و نیم عشر دولتی در حق دولت با توجه به غیابی بودن حکم لذا مفاد اجرائیه صادره یک نوبت در اجرای ماده ۷۳ آ د م و ماده ۹ اجرای احکام مدنی در یکی از جراید کثیر الانتشار درج می‌گردد تا ظرف ۱۰ روز پس از انتشار آگهی نسبت به اجرای مفاد اجرایی اقدام گردد در غیر اینصورت واحد اجرای احکام طبق مقررات نسبت به اجرای مدلول اجرائیه و وصول هزینه اجرایی اقدام خواهد کرد.

م الف: ۲۳۷۷۷/ **متصدی امور دفتری شعبه ۳۰۲ شورای حل اختلاف مجتمع ۴ مشهد**

### آگهی ابلاغ دادنامه

در خصوص دعوی آقای حسن سفری بیلندی به طرفیت خوانده مصطفی شادمان کاریزنو به خواسته مطالبه مبلغ ۸۵۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت وجه یک فقره چک به شماره و تاریخ ۹۶/۱۰/۰۳-۰۷۵۱۹۵ با احتساب خسارات دادرسی و خسارات تاخیر تادیه دادگاه با عنایت به مفاد دادخواست تقدیمی، ضمائم پیوست به آن و ملاحظه اصول مستندات به این که خوانده با وصف ابلاغ اخطاریه در جلسه رسیدگی حاضر نشده، لایحه‌ای هم ارسال ننموده و ایراد و دفاع و تکذیبی نسبت به ادعای خواهان و مستندات ابرازی به عمل نیاورده اند، لذا با مصون ماندن مستند دعوی از هر گونه خدشه‌ای که دلالت بر اشتغال ذمه امضاء کنندگان آن دارد با استصحاب بقای دین دعوی خواهان را محمول به صحت تشخیص داده و به استناد مواد ۱۹۸،۵۱۵،۵۱۹ و ۵۲۲ و ۳۰۳ انون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ۳۱۰،۳۱۳قانون تجارت حکم به محکومیت تضامنی خواندگان به پرداخت مبلغ مذکور بابت اصل خواسته و مبلغ ۱۵۰/۰۰۰/۷ ریال بابت کلیه خسارات دادرسی که به سبب طرح دعوا به خواهان وارد گردیده و نیز خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید تا زمان وصول بر اساس نرخ تورم که توسط بانک مرکزی اعلام می‌شود و در اجرای احکام محاسبه خواهد شد در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید. رای صادر شده غیابی و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل وخواهی در این دادگاه است و سپس ظرف بیست روز دیگر قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان خراسان رضوی می‌باشد.

م الف: ۲۲۶۵۶/ **منشی شعبه ۱۳ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی امام خمینی مشهد**

### آگهی ابلاغ اجرائیه

پیرو آگهی‌های منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه خانم فرشته صلح جو کرباسدهی که مجهول المکان می‌باشد ابلاغ می‌گردد چون وفق دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۷۵۰۸۴۰۰۴۹۸ صادره از شعبه ۲۴۵ در پرونده شماره ۹۶۱۱۲۱ محکوم به فرشته صلح جو کرباسدهی به حضور در دفترخانه و اسناد رسمی و انتقال سند اتومبیل پژو ۲۰۶ اس دی مدل ۸۹ به شماره ۷۳۳ د ۸۱ ایران ۷۲ به نام خواهان و محکومیت خوانده ردیف اول نوروز سجادی اصل به پرداخت هزینه روزنامه به مبلغ ۶۰/۰۰۰ تومان در حق محکوم له و نیم عشر دولتی در حق دولت شده اید ظرف ده روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیر اینصورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول مطالبات با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود.

م الف: ۲۳۵۹۹/ **منشی شعبه ۲۴۵ شورای حل اختلاف مجتمع ۵ مشهد**

### آگهی ابلاغ دادنامه

بدینوسیله پیرو آگهی‌های منتشره قبلی خواندگان ۱. محمدرضا علیشاهی ۲. وحید پالیزبان مجهول المکان در خصوص دادخواست علی نصیری خجسته در پرونده کلاسه ۱۴/۹۷۰۳۷۴ به موجب دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۷۵۸۰۷۰۰۷۲۹ خواندگان محکوم هستند تظیم سند رسمی یک دستگاه خودرو جی ۷ تیپ MG۶ مدل ۲۰۱۵ به شماره موتور ۰۹۰۰۰۱۰۲۰ و شماره شاسی ۰۱۲۷۷۵ به شماره انتظامی ۱۲–۹۹۲ س ۳۸ به نام خواهان و پرداخت مبلغ پنج میلیون و نهصد و هشتاد و هشت هزار و چهارصد و نود و هفت ریال به عنوان هزینه دادرسی و مبلغ شش میلیون و دو هزار و چهارصد ریال بعنوان حق الوکاله وکیل در مرحله بدوی در حق خواهان صادر می‌نماید. رای صادره غیابی و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه و سپس ظرف بیست روز قابل اعتراض در دادگاه محترم تجدیدنظر استان خراسان رضوی می‌باشد.

م الف: ۲۲۶۴۷/ **مدیر دفتر شعبه ۱۴ دادگاه عمومی مشهد**

### آگهی ابلاغ

آقای سید محمد حسینی فرزند ناصر پیرو آگهی‌های قبلی در خصوص دعوی آقای سیدکاظم میرزائی فرزند سید محمد به طرفیت شما بدینوسیله ابلاغ می‌شود که پرونده کلاسه ۹۶۱۱۳۱ منجر به صدور اجرائیه علیه شما مبنی بر ۱. مبلغ هفتاد میلیون ریال بابت اصل خواسته به استناد یک فقره چک به شماره ۳۹۹۰۷۷ مورخه ۱۳۹۶/۱۰/۲۷ ۲. مبلغ دو میلیون و دویست و پنجاه هزار ریال هزینه دادرسی الصاق تمبر و هزینه درج آگهی در روزنامه ۳. خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید چک ۱۳۹۶/۱۰/۲۷ تا یوم الاداء که بر مبنای نرخ تورم بانک مرکزی محاسبه خواهد شد در حق خواهان و نیم عشر دولتی گردیده است لذا مرتب وفق مواد ۱۹–۱۱۸–۱۱۹ قانون اجرای احکام مدنی یک نوبت در روزنامه محلی درج می گردد . این اجرائیه ده روز پس از انتشار بموقع اجرا گذارده خواهد شد و پس از این برای عملیات اجرائی ابلاغ یا اخطار دیگری به شما نخواهد شد مگر اینکه محل اقامت خود را کتبا به قسمت اجراء اعلام نمایید .

م الف: ۲۳۷۸۵ / **مسئول دفتر شعبه ۱۸۴ شوراهای حل اختلاف مشهد**

### آگهی ابلاغ دادنامه

بدینوسیله پیرو آگهی‌های قبلی به آقای جلال پوستی فرزند علی فاقد مشخصات بیشتر فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در خصوص شکایت آقایان ۱. سید وحید کاظمی فرد ۲. سید مجتبی هاشمی ۳. بهمن کاظمی جامی فریمانی ۴. حسن اصغرزاده علیه شما دائر به سرقت یک دستگاه ایکس باز از ردیف ۱ و یک عدد گوشی همراه از ردیف‌های دوم الی چهارم به موجب حکم شماره ۹۷۰۹۹۷۷۵۹۲۰۰۰۶۹۱ – ۱۳۹۷/۰۵/۲۰مورخ در پرونده‌های کلاسه ۹۷۰۲۳۲ و ۹۷۰۲۳۱ این شعبه بابت ۴ فقره سرقت به تحمل ۴ فقره ۴ سال حبس تعزیری درجه ۵ و ۴ فقره هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری و رد امو